



انتشارات دانشگاه لرستان

۲۰۷

شیوه‌های نقدی جدید

سؤال‌ها و تطبیق‌ها

تألیف:

د. صالح هویدی

مترجم

دکتر حسین چراغی‌وش

عضو هیأت علمی دانشگاه لرستان

سرشناسه	Huwaydi, Salih صالح هویدی :
عنوان قراردادی	: المناهج النقدية الحديثة: اسئلة و مقاربات. فارسی
عنوان و نام پدیدآور	شیوه‌های نقدی جدید (سؤال‌ها و تطبیق‌ها) / تألیف: صالح هویدی مترجم: حسین چراغی‌وش ویراستار: سعید زهره‌وند
مشخصات نشر	خرم‌آباد، دانشگاه لرستان، ۱۴۰۱
فروست	: دانشگاه لرستان، ۲۰۷
مشخصات ظاهری	: ۱۴۷ ص
شابک	ISBN: 978-622-6967-46-4
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتاب‌نامه
موضوع	: ادبیات عربی -- تاریخ و نقد Arabic literature-- History and criticism : نقد ادبی -- کشورهای عربی *Literary criticism -- Arab countries
شناسه افزوده	: چراغی‌وش، حسین، ۱۳۵۸؛ مترجم
شناسه افزوده	: دانشگاه لرستان
رده‌بندی کنگره	: PJA ۲۰۵۳
رده‌بندی دیوینی	: ۸۹۲/۷۰۹
شماره کتاب‌شناسی ملی	: ۸۸۰۵۷۲۰



انتشارات دانشگاه لرستان

شیوه‌های نقدی جدید (سؤال‌ها و تطبیق‌ها)

تألیف: د. صالح هویدی

مترجم: دکتر حسین چراغی‌وش (عضو هیأت علمی دانشگاه لرستان)

ویراستار ادبی: دکتر سعید زهره‌وند (عضو هیأت علمی دانشگاه لرستان)

شمارگان: ۵۰۰ نسخه، نوبت چاپ: اول ۱۴۰۱

آمور رایانه‌ای و صفحه‌آرایی: سهیمه اسدزاده

طراح جلد: سمیرا حصاربانی

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۹۶۷-۴۶-۴

بها: ۶۵۰۰۰ تومان

فهرست

صفحه	عنوان
۷	مقدمه
۱۳	درآمد: معنای نقد و تحول مفهوم آن
فصل اول	
نقد و پیوندهایش	
۱۹	۱- پیوند میان ادبیات و نقد
۲۲	۲- پیوند میان نقد عربی و نقد غربی
فصل دوم	
کارکردها و شرایط نقد	
۲۹	۱- کارکرد و نقش نقد
۳۲	۲- شرایط و ملزومات منتقد
فصل سوم	
مشکلات نقد ادبی	
۴۱	۱- درون‌گرایی یا قاعده‌مندی
۵۴	۲- فطرت یا صنعت
۶۱	۳- تعهد یا آزادی
فصل چهارم	
شیوه‌های نقد ادبی	
۶۵	بخش اول: شیوه‌های برون‌متنی
۶۵	۱- شیوه تاریخی
۷۵	۲- شیوه روانشناختی
۹۰	۳- شیوه جامعه‌شناختی
۹۵	بخش دوم: شیوه‌های درون‌متنی
۹۵	۱- نقد فرمالیستی و نقد نو
۱۰۶	۲- نقد ساختارگرا
۱۱۴	۳- ساختارشکنی
۱۱۸	۴- زیبایی‌شناسی خوانش و دریافت
۱۲۵	بخش سوم: شیوه‌ها و گرایش‌های دیگر

- ۱- نقد امپرسیونیستی ۱۲۵
- ۲- نقد اگزیستانسیالیستی ۱۳۰
- ۳- نقد اخلاقی ۱۳۱
- ۴- نقد آکادمیک ۱۳۲
- ۵- نقد زیبایی‌شناختی ۱۳۳
- ۶- نقد فمینیستی ۱۳۴
- ۷- نقد نشانه‌شناختی ۱۳۵
- ۸- نقد سبک‌شناختی ۱۳۷
- ۹- نقد تکاملی ۱۳۸
- نتیجه ۱۴۰
- منابع و مراجع ۱۴۵

مقدمه

ادبیات معاصر عربی و نقد ادبی از عدم ظهور شخصیت‌های نقدی که با شخصیت‌های دیگر در سایر فنون ابداعی این ادبیات برابری کنند، گله‌مندند. هرچند عواملی که در پس این پدیده فراگیر پنهان است با توجه به تفاوت زوایای نگاه و تعدد افکار و اندیشه‌ها، متفاوت و متعدد است، اما از عوامل اصلی این کوتاهی می‌توان به دو علت مهم زیر اشاره کرد، اول: دوری این فعالیت ابداعی از منشأ اجتماعی و بافت‌های تمدنی خود که باعث می‌شود این فعالیت ابداعی در قالب فعالیتی فراتر از جامعه به نظر بیاید. دوم: نیاز جوامع ما به پرورش-افرادی مستعد از میان مشتاقان ادبیات چنان که بتوانند در آینده در زمره منتقدان قرار گیرند. این فرآیند از ساحت پژوهش و تحقیق آغاز می‌شود و شامل شیوه‌هایی از نقد می‌شود که به تمام معنا باید گسترده و فراگیر باشند. بر اساس این شیوه‌ها، کتاب‌های فراهم‌شده در قلمرو نقد نیز باید بروز و ظهوری داشته باشند که بتوانند دیگر هنرها، علوم و اندیشه‌ها را در برگیرند. استمرار چنین کاری همچنین شامل فعالیت‌های فرهنگی و نشست‌های عمومی و اندیشه محور حکومت و نهادهای وابسته به آن می‌شود. از این رو، شایسته است این نهادها به دنبال ارائه نقشه‌های راه مشخص و اهدافی معین باشند. اهدافی که از زمره آنها می‌توان به ارتقای سطح دانش افراد مستعد، توجه به همت و اهتمام آنها و پروراندن آگاهی‌شان - خواه از حیث چگونگی ارائه و خواه از منظر فراهم‌سازی فضای گفتمانی- اشاره کرد. به نظر نمی‌آید امروزه کسی از ما نیازمند آن باشد که درباره اهمیت و ارزش نقد در جریان زندگی ادبی و تلطیف حس درونی و افزایش سطح فکری خود دست به استدلال و احتجاج بزند. چرا که نقد هم‌زاد ادبیات است و بال دوم آن در نوآوری و ابداع به شمار می‌رود. از این رو اگر ادبیات در میان فنون و هنرهای نوآورانه، از چنان اثر ابداعی برخوردار باشد که تأثیر، ارزش، شگفتی و سودمندیش بر همه هنرها برتری داشته و در میان افراد و ملت‌ها بیشترین سطح انگیزشی را داشته باشد، پس بدیهی است که نقد ادبی نیز اهمیتی در حد و اندازه موضوع اصلی؛ یعنی ادبیات داشته باشد. خداوند زبان‌شناس و روایتگر مشهور شعر عربی، «خلف الأحمر» پیامزد که روزی کسی نزد او آمد تا بعد از این که از سلطه منتقدان و شمشیر تیزی که برگردن شاعران نهاده بودند، به تنگ آمده بود، به‌عمد یا غیر‌عامدانه و با هدف فروکاستن ارزش نقد با او گفت‌وگو و رایزنی کند.

لذا به او گفت: «اگر من شعری را بشنوم و آن را خوش دارم، پس دیگر در پی آن نیستم که تو و یارانت در باره آن چه می‌گویید.» این همان فکری است که دلالت بر اعتماد خواننده به [خوانش] خود دارد و بدون شک بیانگر استعداد ادبی فراوان او خواهد بود. اما بایستگی اقتناع عقلی مخاطب، «خلف‌الأحمر» را بر آن داشت تا از نقش نقد و اهمیت منتقد دفاع و جانب‌داری کند، دفاع وی، دفاعی است مستند به واژگان حسی و واقعی، وی از ویژگی چنین واژگانی بهره می‌برد تا برهانی را ترتیب دهد که از حیث استدلال و شیوه پاسخ‌گویی، گویاتر و رساتر از آن را نمی‌توان نشان داد.

«خلف‌الأحمر» در پاسخ به مخاطبش این‌گونه داد سخن می‌دهد: «اگر تو درهمی را به دست آوری و در پیش خود آن را سکه درستی تصور کنی و در عین حال، صرافی به تو بگوید که آن سکه ناسره است و به کاری نمی‌آید، آیا خوش‌گمانی تو نسبت به آن سکه، سودی برای تو دارد؟» بدین ترتیب گمان [نادرست] مخاطب را از بین می‌برد. بنا بر این، هر هنر و صنعتی، صاحب فن و کارآشنای خود را دارد و هر فعالیتی معیارهای ویژه خودش را می‌طلبد، چنان که برای تعیین ارزش هر چیز از آنها نظرخواهی می‌شود و معیارها و دیدگاه‌های فردی - خواه ناخواه - در این باره ارزش‌چندانی ندارند. همان‌گونه که در بازشناختن سکه سره از ناسره و تقلبی، نظر صراف را می‌پرسیم، در تعیین اصالت ادبیات و ارزیابی ارزش ابداعی آن از منتقد نظرخواهی می‌شود.

توصیفی که ادبیات را به (کلام) و نقد را به (کلامی بر کلام) تشبیه می‌کند، مشهور است، همچنین واضح است که ادبیات جدید در بسیاری از گرایش‌ها و شکل‌ها و مضامین و ابعاد طرح‌ها، یافته‌ها و دیدگاه‌های نقد است. چه بسیارند متون نوآورانه‌ای که دیر زمانی بر آنها می‌گذرد و در عین حال، نویسندگانشان در کتم فراموشی و ستر بی‌توجهی قرار می‌گیرند، تا این که کسی پیدا شود و آنها را کشف کند و هر آنچه را [از ابداع و زیبایی] است در آنها آشکار سازد؛ چنان که آن نویسندگان، از آن پس به شخصیتی ممتاز در میان سرآمدان عرصه ادبیات و ستاره‌ای درخشان در آسمان نوآوران مبدل گردند.

پس این کتاب، نگاهش به گروهی از خوانندگان؛ یعنی دانشجویان و طیفی گسترده از مخاطبان است که به اندوختن توشه نقدی و فرهنگی مشتاق و علاقه‌مندند. اشتیاقشان بیشتر از آن روست تا آنها را برای دیگر دوره‌های زندگی ادیشان آماده سازد، اما این کتاب عموم پژوهشگران و متخصصان حوزه نقد را نیز فراموش نکرده‌است، زیرا به آسیب‌شناسی شیوه‌های نقدی و حوزه فعالیت آنها و رابطه‌شان با گفتمان نقدی عربی هم وارد شده است.